

بسم الله الرحمن الرحيم

◇ یادداشت سردبیر

زمانی که تصمیم گرفتم موضوع این یادداشت را به "چیستی کتابداری" اختصاص دهم تردید داشتم که آیا فی الواقع پس از گذشت بیش از یک قرن از کتابداری نوین در غرب و گذشت متجاوز از سه دهه از عمر کتابداری جدید در ایران، آیا درست است که تازه بپرسم "کتابداری چیست؟" اما افراد زیادی می پرسند "این کتابداری چیست؟" و "آیا کتاب به امانت دادن و گرفتن تحصیل دانشگاهی می خواهد، آن هم تا حدّ دکتری؟! این زمزمه آشنایی است که طنین آن پیوسته در جامعه ما شنیدنی است.

جوانان پرشوری که به این رشته وارد می شوند بارها این سؤال را پرسیده اند که "کتابداری چیست؟" حتی از این که نمی توانند به دیگرانی که خارج از این حوزه هستند و شناختی نسبت به رشته ندارند، آن را تفهیم و با سرفرازی از آن یاد کنند اندوهگین اند. گرچه پس از گذشت چند سال، به دلیل خوگرفتن با این رشته و یا مستأصل شدن و نشنیده گرفتن سؤالات دیگران، به مصداق "چون به گردش نمی رسی واگرد" این سؤال را بی پاسخ رها می کنند.

یکی از ویژگی های این رشته آن است که باید در آن وارد شوی تا آن را بشناسی، و چون وارد شدی نمی توانی آن را به دیگرانی که در آن وارد نشده اند بشناسانی. به همین دلیل، گاه، به مزاح، به پژوهندگان جوان گفته ام که کتابداری مثل مرگ است. برای آنکه بدانی مرگ چیست، نباید بمیری. پس از مرگ نیز نمی توانی به پرسشگران این پدیده بگویی که مرگ چیست.

اما اینها پاسخ مسئله نیست؛ و این پرسش هنوز هم مطرح است که کتابداری چیست. و تا به این سؤال پاسخ داده نشود نه می توان دامنه کار آن را شناخت و نه تفاوت آن را با حوزه های دیگری که موازی، مماس، یا متباین این حوزه هستند دریافت. به همین دلیل، این یادداشت می کوشد - در حدّ یادداشت و به اجمال - آن را بازگشاید.

کتابداری به اعتبار "حرفه" بودنش دارای دو وجه علمی و فنی یا نظری و عملی است. وجه علمی یا نظری به مطالعه مؤلفه ها و روابط میان آنها می پردازد و وجه فنی یا عملی، یافته های کسب شده از وجه علمی و نظری را به کار می بندد و کار بسته ها را برای مطالعه نظری فراهم

می‌سازد و این تعامل در طول تاریخ رمز بقا و پیشرفت هر حرفه بوده است؛ و ممکن است اصطلاحات هر یک از این دو وجه نیز خود بیانگر هر یک از وجوه دوگانه باشد. چنانکه ما "طب" را برای وجه علمی و نظری و "طبابت" را برای وجه عملی و فنی به کار می‌بریم. و در غرب، اصطلاح Library Science را برای وجه علمی و نظری و اصطلاح Librarianship را برای وجه عملی و فنی به کار می‌برند و ما در مقابل آنها به ترتیب، "علم کتابداری" و "کتابداری" را به کار برده‌ایم، که البته تمایز مورد نظر را چندان روشن نشان نمی‌دهد، ولی ناظر بر همان معناست. حال، این دو وجه این حرفه، فی الواقع، به چه اموری می‌پردازند و مرز فعالیت‌های آنها چگونه مشخص می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال، لازم است ابتدا تعریف هر یک از این دو وجه روشن شود:

علم کتابداری، در تعریفی ساده، علمی است که به مطالعهٔ ارتباط میان کتاب و انسان می‌پردازد؛ و فن کتابداری می‌کوشد میان کتاب و انسان ارتباط مؤثر برقرار کند. بدین ترتیب، می‌توان دریافت که موضوع علم کتابداری "کتاب" و "انسان" است. کتاب است از آن رو که خوانده می‌شود و انسان است از آن رو که می‌خواند. به عبارت دیگر، از میان ساحات مختلف کتاب و انسان، ساحت متمایز و ویژه‌ای را مد نظر دارد.

به نظر می‌رسد که برای رسیدن به درک مشترک، ابتدا لازم است برخی مفاهیم از منظر بحث حاضر بازگشوده شود، تا هم ادامهٔ سخن میسر باشد و هم از برخی محدود دیدن‌ها جلوگیری گردد. یکی از اصطلاحات کلیدی تعریف علم کتابداری، خود کلمهٔ "کتاب" است.

تصویر ذهنی غالب دربارهٔ کتاب، تعبیر گوتنبرگی آن است و این خود از آفت‌های مخمل معنی و مسبب بسیاری کج فهمی‌هاست. به تعبیر دیگر، در تعریف گوتنبرگی، جنبهٔ ساختاری کتاب بر جنبهٔ محتوایی آن غلبه می‌یابد و طی قرن‌ها هر زمان سخن از کتاب به میان آمده ساختاری بین‌الدفتینی را به ذهن متبادر کرده است. همین جنبهٔ ساختاری نیز بیش از آنکه متکی بر وجه منطقی باشد مبتنی به وجه تاریخی است. یعنی تنها در دورهٔ خاصی چنین ساختاری غلبه داشته است؛ و وجه تاریخی طبعاً متأثر از امکانات و مقدرات هر دوره است.

در تاریخ کتابخانه‌ها، هرگز ساختار را ملاک نامگذاری محل نگهداری مواد قرار نداده‌ایم. در عصری، وجود مواد خاص و فن‌آوری ویژه سبب شده است که ساختار کتاب‌ها به صورت لوح گلین، زمانی پوست، زمانی الیاف گیاهی، و زمانی کاغذ؛ و در روزگار معاصر، ریزنگار، صفحهٔ فشرده، و جز آن باشد. همهٔ این مواد و مصالح به تناسب میزان پیشرفت‌های هر زمان مورد استفاده بوده است. اما در همهٔ آنها یک وجه مشترک می‌توان یافت و آن ثبت و ضبط اندیشه‌ها با

استفاده از ابزاری خاص بر بستری خاص است. اگر کاغذ را به معنای عام آن، یعنی بستر پذیرش هر گونه حک و ثبت، و قلم را ابزار حک و ثبت بدانیم، قلم و کاغذ - در معنای عام آن - از گذشته تا به امروز در خدمت ثبت اندیشه‌های بشر بوده است، و طبیعاً این ثبت شده‌ها کتاب و مجموعه آنها کتابخانه تلقی شده است. کتابخانه‌های مجازی امروز نیز بیرون از این معنی نیست.

اصطلاح دیگری که تبیین آن ضروری است، اصطلاح "خواندن" است. خواندن، از این دیدگاه، به ارتباط نظام ذهن انسان با نظام مضبوط محیط از طریق نمادهای آشنا گفته می‌شود. در اینجا دامنه معنایی خواندن نیز همانند دامنه معنایی کتاب به تناسب شیوه‌های متداول رمزگذاری در هر عصر تغییر می‌کند. رویارویی دو نظام پیشگفته در مورد لوح گلین، پوست، و... تا صفحه نمایش رایانه نیز صادق است. به همین دلیل، امروز نمی‌توان در محاسبات و ارزیابی‌ها میزان وقت صرف شده برای خواندن و مطالعه، صرف وقت در استفاده از پایگاه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی را ندیده گرفت. به تعبیر دیگر، چون کتاب دیگر تابع تبیین گوتنبرگی نیست، خواندن نیز باید با نگاهی متفاوت ارزیابی شود.

در بحث از علم کتابداری و "مطالعه ارتباط میان کتاب و انسان"، عادت‌ها، آشنایی‌ها، مهارت‌ها، و شرایط فردی و اجتماعی در عنصر انسانی؛ و رمزگذاری‌ها، ساختار، و نوع محتوی در عنصر کتاب؛ و سرانجام الگوها و انگاره‌های ارتباطی هر زمان و مکان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در چنین مطالعاتی یافته‌های کلیه حوزه‌ها به منظور یافتن پاسخ مناسب یا جست‌وجوی راه‌حل‌های مطلوب به خدمت گرفته می‌شود.

در فن کتابداری، تدابیر و ملزومات ایجاد ارتباط مؤثر میان کتاب و انسان پیوسته مطمح نظر بوده است، و هر گونه تجهیزات، ابزارها، و فن‌آوری‌ها و نیز تدابیر سازماندهی و اشاعه که بتواند ارتباط مؤثر میان کتاب و انسان را تسهیل کند در طول تاریخ حرفه کتابداری مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و منطقاً در آینده نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بنابراین، با توجه به گستره معنایی کتاب، خواندن، و ارتباط مؤثر؛ کتابداری در حیات فرهنگی و علمی جوامع جایگاه روشنی دارد و استفاده از هر نام دیگری نیز، گرچه ممکن است از لحاظ روانشناختی، عواطف و احساسات برخی را ارضاء کند، در ماهیت امر تغییری پدید نخواهد آورد.